

صمد حضرتی
کارشناس ارشد حقوق خصوصی

جایگاه حقوق مؤلف در حقوق ایران، اسلام و کنوانسیونهای بین‌المللی

مقدمه

مالکیت‌های فکری در قرن حاضر، به‌علت رشد روزافزون تکنولوژی و ارتباط هرچه بیشتر ملتها و به‌هم‌نزدیکتر شدن فرهنگها، از اهمیت خاصی برخوردار گردیده‌است. در این میان آثار فرهنگی، به‌ویژه آثار علمی و ادبی که به‌صورت کتب و نوشته در اختیار مصرف‌کنندگان آثار علمی و ادبی قرار می‌گیرد، از اعتبار خاصی برخوردارند پیشرفت تکنولوژی به‌وجود آمدن شبکه‌های اطلاع‌رسانی از جمله اینترنت از یک سو باعث شده‌است که آخرین پدیده‌های علمی و ادبی هرچه سریعتر در دسترس علماء، ادبا و افراد دیگر جامعه قرار گیرد و از سوی دیگر تعرضات و تجاوزات به آثار فکری دیگران، رفته‌رفته افزایش یابد. تا حدی که توجه قانونگذاران کشورهای مختلف به‌سوی این مهم سوق داده شده‌است. به‌همین لحاظ کشورهای زیادی برای حمایت از این حقوق قوانینی را وضع نموده‌اند که البته با توجه به نزدیکتر شدن ملتها به‌یکدیگر قوانین داخلی نیز به‌تنهایی نتوانسته‌اند این حقوق را از تجاوز مصون بدارند، بر همین

اساس کنوانسیونهای بین‌المللی برای حمایت از حق مادی و معنوی مؤلف منعقد گردیدند تا بتوانند هر چه بیشتر از این حقوق حمایت کنند. حق مؤلف در معنای اصطلاحی امتیازی است که جامعه برای فردی که اثری را پدید آورده و قصد دارد از مزایای مادی و معنوی آن بهره‌برداری کند قایل شده و آن را به رسمیت می‌شناسد در اینجا صاحب حق همان مؤلف اثر است که از اختیاراتی نسبت به اثر پدید آمده خود برخوردار گردیده‌است. این حق دارای ماهیتی دوگانه است، سکه‌ای است که یک روی آن جنبه معنوی و روی دیگر آن جنبه مادی می‌باشد. مؤلف گاه قصد دارد از اثر خود در برابر دیگران به بهره‌برداری مادی بپردازد و گاه انگیزه او صرفاً معنوی و اخلاقی است. در ما نحن فیه حق مؤلف به مثابه ملك مؤلف است که می‌تواند وارد انواع معاملات و تجارتها شده و مورد مبادله و معاوضه و انتقال واقع شود در این مورد فقط يك استثناء وجود دارد که مؤلف حق انتساب اثر به خود را، که مانند حق ابوت (پدری) اوست، هرگز نمی‌تواند به دیگری منتقل کند یا بالعکس از دیگری قبول نماید. «در جامعه اسلامی حق مؤلف دارای مفهومی کاملاً حقوقی، فقهی و اجتماعی است و بدون توجه به عناصر فوق هرگز، قابل درک یا اثبات نیست مفهوم حقوقی آن متأثر از قانون حاکم بر کشور است که آن را مورد شناسایی و حمایت قرار داده‌است و آن را فی‌نفسه موجود می‌شمارد. ولی مفهوم فقهی آن فقط در سایه شرط و قرارداد وجود پیدا می‌کند و بدون آن مورد تأیید و امضاء نیست. حق مؤلف از لحاظ اجتماعی مفهومی دوپهلوی پیدا کرده‌است.»^۱ نکته‌ای که شایان ذکر است این است که در مشروعیت حق مؤلف بین فقهاء اتفاق نظر نیست، زیرا ملازمه‌ای بین مالیت آن نزد عرف و مشروعیت آن نزد شارع وجود ندارد و پاره‌ای از فقهای عظام برای حق مؤلف ثبوت شرعی قائل نیستند.^۲

۱- عرب، اسدی، مقاله «حق مؤلف» نشریه پیام کتابخانه، ش ۴، سال دوم ص ۱۳.

۲- امام خمینی (ره) تحریر الوسیله، ج دوم، ص ۶۲۵، آیت‌الله لطف‌الله صافی، فصلنامه رهنمون، تهران،

موافقین برآنند که چون عرف این‌گونه حقوق را معتبر می‌شناسد، خودبه‌خود مورد تأیید شارع نیز هست مگر خلاف آن اثبات شود.

بخش اول: حقوق مؤلف در حقوق ایران

مبحث اول: مرحله فقدان قاعده حقوقی

از نظر تاریخی اگر به گذشته برگردیم، به‌دورانی می‌رسیم که هیچ‌گونه قاعده و ضابطه مدونی در رابطه با این حقوق در ایران وجود نداشته‌است و صرفاً اگر اتفاقی هم می‌افتاد در حد نکوهش و ذم اخلاقی با آن برخورد می‌شد مثلاً وقتی کسی شعر یا نوشته یا اختراع دیگری را به‌خود منتسب می‌کرد او را نکوهش و تمسخر می‌کردند بنابراین شکوه مؤلفان و نویسندگان ایران از نبودن قانونی که از آنها حمایت کند سابقه‌ای بس طولانی دارد و تاریخ ادبیات ایران پر از نمونه‌ها و شواهدی است که هرگاه هنرمند یا ادیبی یک اثر هنری و ادبی را به‌وجود می‌آورد. و آن را نزد صاحب‌منصبی ارائه می‌داد صله و جایزه و اکرامی از جانب او می‌رسید و هر جا که شخصی برخلاف واقع سروده‌ای را به‌خود منتسب می‌کرد مورد نکوهش و ذم دیگران واقع می‌شد در اینجا می‌توان نوعی استحقاق، در زمینه معنوی و احترام به‌شخصیت مؤلفان و هنرمندان را جستجو کرد. کسی که سالهای طولانی عمر خود را صرف تألیف کتابی یا خلق اثری می‌نماید با توجه به این حقیقت که انسان عالم و آگاه با فراگیری مطلبی، وظیفه در نشر و آموزش آن به‌دیگران پیدا می‌کند در صورتی مستحق حمایت مادی و معنوی است که اولاً: بتواند از نظر مادی خود را تأمین نماید و بتواند اندیشه و تفکر خود را در جهت تعلیم و تعلم به‌کار گیرد. ثانیاً: شخصیت و حیثیت اجتماعی او از تعرض مصون بماند. در گذشته مؤلف و به‌طورکلی پدیده‌آورنده امتیازی بر سایرین نسبت به آثارش نداشت و حق او به‌عنوان مسئله‌ای حقوقی هرگز

مورد نظر نبوده است.^۱ تصور نمی‌شود که مفهوم مالکیت و متعلقات آن به طریقی که در علم حقوق در مورد اشیاء و اموال مادی و غیرمادی اعمال می‌شود بر آثار ادبی و یا هنری اعمال شده باشد. مالکیت ادبی و هنری به معنای امروزی پدیدهای نیست که در جوامع اولیه بتوان جای پای آن یافت.^۲ همان‌طور که گفته شد مسئله نقل احوال دیگران بدون ذکر مأخذ و یا انتساب اثر دیگران به خود و تحریفات دیگر در گذشته وجود داشته است، به عنوان مثال، ابوالحسن علی بن عثمان الجلابی هجویری غزنوی در مقدمه کتاب خود «کشف المحجوب» چنین می‌نویسد: «... کی نام مصنف بدان کتاب زده‌اند که مرا این حادثه اتفاق افتاد به دوباره: یکی آنکه، دیوان شعرم کسی بخواست و بازگرفت و اصل نسخه جز آن نبود، آن جمله را بگردانید و نام من از سر آن بیفکند و رنج من ضایع کرد تا ب‌الله علیه. و دیگر کتابی کردم هم از طریقت تصرف نام آن «منهاج الدین». یکی از مدعیان نام من از سر آن پاک کرد و به نزدیک عوام چنان نمود که وی کرده است.»^۳

و در این مورد مؤلف کتاب ارزشمند مفاخر اسلام در مقدمه جلد دوم تحت عنوان سرقت افکار و اندیشه‌ها نمونه‌هایی از تحریفات و انتسابات خلاف واقع از گذشتگان نقل کرده است. و خود نیز از این اقدامات ناشایست گله مند است ایشان می‌نویسد: «سرقت افکار و اندیشه‌ها چه به صورت فکری یا عین عبارت، آن هم قسمتی از مطلب در رساله یا کتابی، با تعویض مقدمه کتاب و نامگذاری آن به نام خود یا دیگری، سابقه طولانی دارد و بیشتر در میان شعرا رایج بوده است.»^۴ بنابراین در این مرحله مقررات و قوانین مشخصی در این مورد وجود نداشت و در نتیجه با پیشرفت جامعه و

۱- هوشنگ، صادقی مقدم، حقوق مؤلف در ایران و کنوانسیونهای بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۶۷ ص ۷۰.

۲- کیوان آذری، حقوق معنوی پدیدآورنده اثر، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۲۲، ۱۳۶۰ ص ۱۲.

۳- نورالله، مرادی، حق مؤلف، نامه انجمن کتابداران ایران، ش دوم، دوره ششم، سال ۱۳۵۲، ص ۴۳.

۴- علی، دوانی، مفاخر اسلام، ج دوم، انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۶۶، ص ۲۱.

به وجود آمدن تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی نیاز اساسی به تصویب قوانین و مقررات احساس شد لذا در ادامه بحث مرحله تدوین قوانین را بررسی می‌نماییم.

مبحث دوم: مرحله تدوین قوانین

اولین بار در آبان ماه سال ۱۳۰۹ نخستین قرارداد مالکیت ادبی بین دولت ایران و آلمان توسط مجلس شورای ملی تأیید شد. این قرارداد که در موضوع حمایت از مخترعین و دارندگان امتیاز علائم صنعتی و تجارتي و حقوق مالکیت صنعتی و ادبی بود دولتین را ملزم به رعایت اصلی تساوی حقوق اتباع دو کشور می‌کرد. (ماده ۱)

ماده دوم این قرارداد شرایط شکلی را بیان کرده و دولتهای متعاقد را موظف می‌نماید مجازاتهایی مناسب برای نقض موارد مذکور در ماده یک در کشور خود به تصویب برسانند.

پس از استقرار رژیم مشروطه و افزایش نشر کتاب و روزنامه و تأسیس دیگر وسایل ارتباطی احتیاج به قوانینی که از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان و محصول فکری آنها حمایت کند روزبه‌روز بیشتر احساس شد در آن زمان فقط مواد ۲۴۵ تا ۲۴۸ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۰ مرداد ۱۳۱۰ ناظر به حقوق مؤلفان بود که البته این منظور را تأمین نمی‌کرد. به این وضع نامطلوب، عدم توجه دولتها را نیز باید اضافه کرد و شاید بتوان آن را مزید بر علت دانست زیرا در کلیه کنفرانسهای بین‌المللی که ظرف سه ربع قرن اخیر به منظور شناسائی بین‌المللی حقوق مؤلف تشکیل گردیده‌است دولت ایران یا اصلاً نماینده نداشته و یا اگر شخصی به‌عنوان نماینده دولت ایران در کنفرانس شرکت کرده‌است عضو ناظر بوده‌است نه عضو مؤثر. لذا در کشوری که علائم صنعتی و تجاری قانون خاصی دارد و حتی دولت در سال ۱۳۳۷ الحاق خود را به قرارداد بین‌المللی حمایت مالکیت صنعتی و تجاری و کشاورزی پاریس مصوب سال ۱۸۸۳ م اعلام داشته و در کشوری که برای حق سرقتی قانونی

خاص وضع و تصویب گردیده است حق این بود که نسبت به احقاق حقوق کلیه پدیدآورندگان اعم از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان توجه بیشتری می‌شد، به خصوص که به موجب اصل ۲۲ قانون اساسی وقت، دولت‌ها موظف بودند لوایح مورد نیاز را تهیه و به مجلس تقدیم دارند و چون تا سال ۱۳۳۴ شمسی از طرف دولت‌ها در این زمینه اقدامی نشده بود در نیمه دوم همان سال ۲۲ تن از نمایندگان مجلس شورای ملی تحت تأثیر لزوم حمایت حق مؤلف به فکر تهیه طرح قانونی افتادند و پس از چند جلسه گفتگو طرحی مشتمل بر ۹ ماده و ۲ تبصره تهیه و تقدیم مجلس شد. طرح مذکور بلافاصله به کمیسیون فرهنگ ارجاع شد ولی بی‌دفاع ماند.^۱ پس از دو سال فترت در سال ۱۳۳۶ به علت فشار هنرمندان و روشنفکران، کمیسیون مأمور تهیه لایحه تألیف و ترجمه، کار خود را تمام کرد و دولت لایحه قانونی آن را مشتمل بر ۱۶ ماده و ۳ تبصره به مجلس سنا تسلیم کرد. مجلس سنا لایحه عادی دولت را به کمیسیون فرهنگ فرستاد. در سال ۱۳۴۲ وزارت به فکر افتاد تا طرحی جدید برای حمایت از هنرمندان و نویسندگان به وجود آورد و آقای محمدتقی دامغانی مأمور نوشتن این طرح شد که در فروردین ۱۳۴۳ در جزوه ۳۰ صفحه‌ای به نام «مالکیت ادبی و هنری» در ۹۷ ماده به چاپ رسید. در سال ۱۳۴۶ وزارت فرهنگ و هنر با گردآوری دست‌اندرکاران وزارتخانه، طرح «لایحه حمایت از مؤلفین، مصنفین و هنرمندان» را تهیه کرد. این لایحه قبل از طرح در مجلس در حزب ایران نوین مطرح شد. لایحه مزبور در آبان ۱۳۴۷ به مجلس تقدیم شد و به پیشنهاد احمد شاملو «قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» نام گرفت، طرح لایحه اعتراضها را از هر سو برانگیخت، نویسندگان، ترانه‌سرایان، آهنگ‌سازان، مترجمان، طراحان، نویسندگان و مطبوعات شروع به اعتراض کردند، چرا که لایحه نه مانع بود و نه جامع بالاخره لایحه در سوم

۱- برای بررسی بیشتر این طرح و انتقاد آن به کتاب، مشیریان، محمد، حق مؤلف و حقوق تطبیقی، تهران،

آذر ۱۳۴۸ تصویب شد و در ۲۲ دی ۱۳۴۸ به دولت ابلاغ گردید^۱ که هنوز هم حاکمیت خود را حفظ کرده است.

بخش دوم: حق مؤلف در حقوق اسلام

خواندن و نوشتن در نهضت اسلام يك فریضه و ضرورت عقیدتی بود در همین دوره است که پیامبر (ص) فرمود «اطلبوا العلم ولو بالصَّيْن» و یا «قُيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ»^۲ که خود مبنای رستاخیز بزرگ علمی مسلمانان شد و حوزه‌های گسترده‌ای را در دانش نظری و تجربی پدید آورد. در پی حادثه سقیفه و اقتدار رژیم‌های خلافت، تشیع امامیه که اسلام را در تمامیت آن نمایندگی می‌کرد، بر این ضرورت تأکید داشت، این واقعیت تا آنجا برجسته و آشکار بود که امام علی (ع) در پی کودتای نخبگان علیه نهضت اسلام، به تدوین میراث وحی پرداخت و پس از انجام آن، در مسجد مدینه حضور یافت و به مسلمانان اعلام کرد که قرآن را با همه تأویلهایش تدوین و تألیف نموده و اینک آماده است تا در اختیار امت اسلامی گذارد، که با مخالفت سران سقیفه روبرو شد. و این نخستین ممنوعیت تألیف در تاریخ سیاسی اسلام بود. از آن پس نیز تدوین و تألیف سنت نبوی و تعالیم امام علی (ع) به عنوان تنها نماینده و سخنگوی اسلام محمد (ص)، رسالتی بود که بر دوش پیروان حضرتش سنگینی می‌کرد و پخش و نشر آن در جهت تنویر افکار و اذهان و تبریئه اسلام و هدایت امت يك وظیفه عقیدتی بود. در طول دوره امامان (ع) که دوران تکوین عقیدتی اسلام است، این ضرورت همچنان به قوت خود باقی بود و تعلیم و تألیف و تکثیر تعالیم و آثار امامان (ع)، رسالت و مسئولیتی بود که از سوی اصحاب آنان انجام می‌شد و تعلیم و تألیف و تکثیر هرگز به عنوان يك حرفه

۱- نورالله مرادی، مقاله «حق مؤلف» نامه انجمن کتابداران ایران، ش سوم، ۱۳۵۲، دوره ششم، ص ۴۷.

۲- الخطیب البغدادی، الرحله فی طلب الحدیث، دارالمعرفة، بیروت، ۱۳۵۹ ق.

رسمیت نیافت و همواره يك ضرورت عقیدتی بود. طرح حق مؤلف در فقه معاصر امامیه، از باب موضوعات مستحدثه حقوقی است و به همین دلیل برخی فقهای معاصر به آن پرداخته‌اند اما پیشینه تاریخی، حقوقی چنین موضوعی را می‌تواند در عنوان فقهی «جواز یا عدم جواز اخذ اجرت بر واجبات» جستجو کرد که از دیرباز در فقه امامیه مورد بحث قرار گرفته است. بنابراین حق معنوی و مادی مؤلف می‌تواند از جمله حقوقی باشد که بر صناعات و علوم ضروری و حیاتی زندگی بشر مترتب است، آنچه باعث تشّت آراء و تعدد اقوال فقهای امامیه در این موضوع شده است وجود اصل ضرورت عقیدتی و یا ادای واجبات دینی است که باید با قصد قربت و اخلاص کامل همراه باشد که با گرفتن اجرت نمی‌سازد، برخی از فقهای شیعه امامیه مدعی اجماع بر عدم جواز اخذ اجرت در مطلق واجبات هستند و برخی دیگر در این موضوع قائل به تفصیل شده می‌گویند: که در واجبات عینی و مندوبات تعبدی که با قصد قربت همراه است، اخذ اجرت روا نیست، اما در مستحبات و واجبات کفایی و توصلی جایز است.^۱

فقهای معاصر شیعه امامیه تألیف را مالیت ذاتی می‌دانند زیرا که نتیجه تلاشهای فکری، علمی، پژوهشی و محصول اندیشه مؤلف می‌باشد. و در آن منفعتی نهفته است که نصیب انسان می‌شود. مؤلف، مالک تألیف و دستاورد علمی و فکری خویش است و می‌تواند دیگران را از تصرف در آن باز دارد. این تصرف به معنای چاپ و تکثیر اثر مؤلف است که بدون اجازه و رضایت او صورت گیرد، بدیهی است بهره‌وری مشروع از اثر مؤلف مانند خواندن اثر و استناد به آن، تصرف نیست.^۲

ادله شرعی فقهای امامیه در منع تصرف در مال غیر، احادیث منسوب

۱- محمودرضا، افتخارزاده، حقوق مؤلفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه معاصر اسلامی، نشر هزاران، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۳۷.

۲- محمودرضا، افتخارزاده، همان منبع، ص ۱۳۸.

به پیامبر (ص) است که فرموده است: «الناس مُسَلطون علی اموالهم» و یا «لَا یَحِلُّ لِمُؤْمِنٍ مَالُ أَخِيهِ إِلَّا عَنْ طَيِّبِ نَفْسِهِ» در چنین نگاهی به حق تألیف که مالیتی ذاتی دارد یعنی نتیجه کوشش علمی و تلاش فکری مؤلف است و عوض مالی دارد، شرع هرگونه تصرفی را در آن، بدون اجازه و رضایت مؤلف روا نمی‌داند، حمایت و ضمانت شرع از حقوق پدیدآورندگان فکری، علمی، هنری، مادی و معنوی است، از آنجا که تولید یا پدیده فکری علمی، هنری معرف هویت عقیدتی، اخلاقی و مبین شخصیت علمی و ادبی مؤلف می‌باشد، هرگونه تحریف، تغییر و تبدیلی در متن و محتوا و شکل پدیده به معنای تحریف هویت عقیدتی و شخصیت علمی و ادبی مؤلف است. و چنین تحریف و تبدیلی تدلیس است و هرگونه قداستی در اسلام ناروا و حرام است و نمودی از آیه شریفه «يُحَرِّقُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ»، آن گونه که سانسور حقایق اثر، کتمان علم است و حرام می‌باشد. انتقال یا سرقت ادبی از يك اثر، دزدی مادی و معنوی است چرا که علاوه بر تحقق تصرف در مال غیر و مسؤولیت و ضمانت حقوقی، اضرار معنوی به غیر نیز هست. انتحال ادبی بدترین نوع ستم فرهنگی و علمی به جامعه است زیرا فرد عامی با انتحال زحمات فکری، تحقیقی، علمی، فنی، هنری، ادبی و... دانشمندان و تحریف آنها، خود را در مقام عالم و دانشمند قرار می‌دهد و این تزویر است و خیانت به ساحت دانش و دانشمندان جامعه، فاجعه‌ای که در جوامع جهان سوم عموماً رایج و معمول است. در این زمینه نگارش عبارت حقوقی «همه حقوق اثر محفوظ است» یا «حق چاپ محفوظ است» اماره مالکیت اثر است و ایجاد منع تصرف در مال غیر می‌می‌کند. این جمله در ادبیات حقوقی جهان معاصر ثبت شده و مورد احترام است. بدیهی است که شرع مقدس به عرف حقوقی جهان احترام می‌گذارد و آن را به رسمیت می‌شناسد. و بسیار بدیهی است که فروش نسخه‌های يك اثر، برای خریداران ایجاد ملکیت اثر را نمی‌کند، قاعده تسلیط فقط شامل همان نسخه یا نسخه‌های خریداری شده می‌شود بنابراین هیچ مالک نسخه و یا ناشری حق ندارد اصل اثر را چاپ و تکثیر کند، با این

همه، صنعت نوین چاپ راه دزدی کتاب‌دزدان را بسیار آسان کرده است بنابراین اگر وجدان، ایمان و اخلاق انسانی و اسلامی نباشد نمی‌توان جلوی دزدان ادبی و سارقان آثار علمی، فنی، ادبی و هنری را گرفت. لذا مصلحت غالبه یا دفع ضرر یا دفع مفسده‌ای مطلوب شرع است. مؤلف تلاش فکری و علمی کرده و زحمت بسیار کشیده تا کتابش را نوشته است در نتیجه بیش از هر کس دیگری سزاوار حق است خواه حق مادی باشد که همان بهره‌برداری مالی از کار است و خواه حق معنوی که همان انتساب کتاب است به وی. این حق، حق خاص و دائم اوست و پس از وی به ورثه‌اش منتقل می‌شود چرا که رسول الله (ص) فرمودند: «هر کس مال یا حقی را به جا می‌گذارد به وارثان او می‌رسد.»

بنابراین اصل، تجدید چاپ کتاب یا عکس‌برداری از آن بدون اجازه مؤلف تجاوز به حق مؤلف است و چنین اقدامی معصیت شرعی و موجب عقوبت عاصی و گناهکار است و دزدی محسوب می‌شود که موجب عقوبت است و باید که نسخه‌های چاپ شده مصادره گردد و باید که مجرم، عوض زیان ادبی وارده بر مؤلف را بدهد خواه بر روی جلد کتاب عبارت «حق چاپ یا حق تألیف برای مؤلف محفوظ است» نوشته شده باشد یا نشده باشد. زیرا عرف و قانون این حق را از جمله حقوق شخصی می‌داند و منافع آن را از اموال ثابت شرعی می‌شمارد.^۱

همه فقهای اسلام به‌جز حنفیان همین نظر را دارند. در این زمینه برخی ناشران بهانه می‌آورند که آسان با تجدید چاپ یا عکس‌برداری کتابی دارند دانش بشری را منتشر می‌کنند و به مؤلف خدمت می‌نمایند! و این حيله‌ای شیطانی و وسیله فاسدی است زیرا هرگز روا نیست که حرامی وسیله و راه گسترش حلالی شود و این پندار باطلی است چرا که اگر قصدشان پول‌پرستی و سودجویی از چاپ کتابی که مشهور

۱- دکتر وَفیه، رُحیلی، مقاله «حق تألیف، نشر و توزیع»، مندرج در کتاب حقوق مؤلفان، مترجمان، هنرمندان، ناشران در فقه معاصر اسلامی ترجمه دکتر محمودرضا افتخارزاده، ص ۱۳۰.

شده است و خریدار بسیار دارد نمی‌بود هرگز به چاپ آن بدون اجازه مؤلف، اقدام نمی‌کردند.

بنابراین از پدیده حقوق مؤلف به گونه جدی و ماهوی، اساساً در فقه سنتی بحث نشده است به عبارت دیگر بحث وجود یا عدم وجود حق مؤلف در هیچ‌کدام از ابواب فقهی کتب فقهای قدیم یافت نمی‌شود و آنچه نیز در دهه‌های اخیر تحت عنوان «مسائل مستحدثه» در این خصوص مطرح می‌شود بیشتر به مسئله مشروعیت یا عدم مشروعیت آن می‌پردازد. و حتی تا آنجایی که بررسی گردید روایتی نیز در این مورد وجود ندارد. طرح نشدن چیزی تحت عنوان حقوق مؤلف در بین فقهاء و در آثار آنان موضوعی کاملاً طبیعی است زیرا تا موضوعی به عنوان مشکل جامعه و برای افراد جامعه به وجود نیاید عدم طرح آن در فتاوی مجتهدین و فقهای عظام، عادی به نظر می‌رسد اما از زمانی که موضوع مذکور به عنوان یکی از مشکلات جامعه و مسئله مطرح گردید فقیه با درک زمان و مکان و برای رفع تحیر و انجام تکلیف مکلفین حکم مسئله را بیان می‌نماید. قابل ذکر است که شرایط زمانی و مکانی دو عامل تعیین‌کننده در اجتهاد است و آشنایی به روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگی حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاستها و ... از ویژگیهای یک مجتهد جامع‌الشرایط است.^۱ شاید این امر از آن جهت است که در اسلام گسترش و اشاعه معارف دینی به عنوان یک فریضه تلقی می‌گردد، چنان‌که در حدیثی منسوب به پیامبر (ص) زکات علم را نشر آن دانسته است، این است که استفاده از مطالب دیگران در کتب فقهی، امر بی‌سابقه‌ای نیست. به عنوان نمونه دکتر جعفری لنگرودی در این باره می‌گوید: «در گذشته غالباً مؤلفان، مطالب گذشتگان و دیگران را بدون ذکر مأخذ طوری نقل می‌کردند که جز معدودی از صاحب‌نظران، بقیه گمان می‌کردند که او ناقل مطلب نیست بلکه مبتکر

۱- پیام حضرت امام خمینی (ره) روزنامه کیهان، ۳/۱۲/۶۷، صفحه ۱۸.

مطلب است چنان که اگر در علم اصول کسی توانایی سنجش فوائد الاصول شیخ انصاری و مناہج الاصول استادش نراقی دوم را داشته باشد به نتایج شگفت‌آوری خواهد رسید.^۱

به هر حال یکی از مسائلی که در حقوق کشورهای اروپایی از مباحث مهم به شمار رفته و درباره آن بحثها بسیار شده است حقوق مؤلف و حمایت مادی و معنوی از او جزء ابتدائی‌ترین حقوق هر نویسنده است. اگر بنا باشد که آثار نویسندگان دستخوش تغییر و تحریف و انتساب ناروا گردد و هیچ نقیدی برای همگان مبنی بر عدم دستبرد به آثار دیگران و احترام به شخصیت انسانی نویسندگان وجود نداشته باشد باعث هرج و مرج شده و به آسانی تحریف اثر دیگران ممکن گردیده و افراد بدون اینکه هیچ‌گونه زحمتی کشیده و رنجی را تحمل کنند می‌توانند با انتساب آثار دیگران به خود ضمن بهره‌برداری از شخصیت و موقعیت آنها استفاده شایانی ببرند. لذا این امر در جوامع اروپایی به علت دسترسی به امکانات چاپ و تکثیر باعث گردید که به فکر ایجاد مقررات و ضوابطی در این زمینه بیفتند.

بخش سوم: حق مؤلف در کنوانسیونهای بین‌المللی

وقتی کشورها، هر یک بر اساس ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی خود، برای حمایت از حق مادی و معنوی مؤلف، به وضع قوانینی پرداختند، تا حدودی آثار نویسندگان و هنرمندان در کشور متبوع از حمایتهای قانونی برخوردار بود اما هرچه زمان می‌گذشت و روابط بین‌الملل چهره خود را بیشتر نمایانگر می‌ساخت، کمبود قواعد و مقررات بین‌المللی در حمایت از آثار مؤلفان، بیش از پیش احساس می‌شد. آثار فکری تا زمانی مورد حمایت بود که در قلمرو حمایتی کشور متبوع مالک اثر، قرار داشت، همین‌که اثر،

از قلمرو حمایتی خود خارج می‌شد. قانونی برای حمایت از آن وجود نداشت. در واقع این احساس به وجود آمد تا برای حمایت از حق مادی و معنوی مؤلف باید کنوانسیونهای بین‌المللی منعقد گردد با انعقاد کنوانسیونهای بین‌المللی حق مؤلف از اواخر قرن نوزدهم، نقطه عطفی در حمایت از این حق به وجود آمد. با آنکه دولت ایران تا حال، به این کنوانسیونها نپیوسته شاید در بادی امر بررسی بیشتر در این باره بدون فایده عملی تصور شود. اما از سوی دیگر چون این قبیل کنوانسیونها نشانه‌ای از نحوه تلقی جهان امروز (لااقل در بخش عمده‌ای از آن) از مالکیت بهترین و شایسته‌ترین آثار اندیشه و نبوغ بشری است بنابراین نمی‌توان به آن اشاره نکرد، خاصه آنکه چنین بررسیهایی از نظر علمی و حقوقی بی‌فایده نیست.

از مهمترین کنوانسیونهای جهانی در این مورد، کنوانسیون برن، ژنو و پاریس می‌باشند که هر یک به نوبه خود توانسته‌اند در سطح جهانی، حق مادی و معنوی مؤلف را از تعرض سوء استفاده‌کنندگان مصون بدارند.

کنوانسیون برن، در ۹ سپتامبر ۱۸۸۶ م با حضور نمایندگان ۹ کشور، آلمان، اسپانیا، انگلیس، ایتالیا، سوئیس، فرانسه، لیبریا و هائیتی در شهر برن کشور سوئیس منعقد گردید. این کنوانسیون در ۴ مه سال ۱۸۹۶ در پاریس تکمیل گردید، در ۱۳ نوامبر سال ۱۹۰۸ در برلین مورد تجدیدنظر قرار گرفت. در ۲۰ مارس سال ۱۹۱۴ در برن تکمیل شد و در ۲ ژوئن سال ۱۹۲۸ در رم و در ۲۶ ژوئن سال ۱۹۴۸ در بروکسل تجدیدنظر شد، از اصول کلی این کنوانسیون، حمایت از آثار پدیدآورندگان تبعه هر یک از کشورهای عضو در سایر کشورهای متعاهد کنوانسیون برن است، اصل تساوی حقوق اتباع کشورها در مورد حقوق مؤلف در این قرارداد جهانی پذیرفته شده‌است و در ماده ۶ به حمایت معنوی آثار پدیدآورندگان می‌پردازد و در ماده ۱۱ به بعد به نحوه حمایت از حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان اشاره شده‌است و در ماده ۱۲ به کشورهای متعاهد حق جرح و تعدیل و دیگر تغییرات

نویسندگی در اثر برای مؤلف پیش‌بینی شده‌است. این قرارداد همچنین بدون توجه به ایجاد محدودیتی از انواع متعدد و متنوع آثار ادبی و هنری یاد کرده‌است با توجه به اینکه، در کنوانسیون مالکیت ادبی و هنری برن، علیرغم بارها تجدیدنظر، به مشکلات کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه کشورهای توسعه نیافته، توجهی نشده‌بود و از طرف دیگر نیاز روزافزون این کشورها به توسعه و پیشرفت و از میان برداشتن فاصله و شکاف عمیق میان آنها و کشورهای پیشرفته، ایجاب می‌نمود، کشورهای نیازمند در زمینه علوم، آموزش و تحقیقات، امکان دسترسی ارزان و آسان به آثار فرهنگی و علمی و ادبی سایر ممالک داشته‌باشند و چنین نیازهایی، همواره مانع از این بود که کشورهای در حال توسعه یا توسعه نیافته، مقررات جهانی حمایت از آثار ادبی و هنری را بپذیرند. لذا سازمان علمی و فرهنگی یونسکو، در اندیشه انعقاد یک قرارداد نوین حق مؤلف برآمد. سرانجام در سال ۱۹۵۲ م، کنوانسیون جهانی حق مؤلف در ژنو، به تصویب رسید. مهمترین نکات عمده این کنوانسیون به شرح ذیل می‌باشد:

۱- این کنوانسیون برخلاف کنوانسیون برن که در برشمردن آثار مورد حمایت، وارد جزئیات شده‌است، از آثار فکری به صورت کلی و با ذکر آثار نوشته، موسیقی، نمایش، سینما، نقاشی، گراور نام برده‌است.

۲- این قرارداد برخلاف کنوانسیون برن، برای برخورداری از حمایت‌های آن، باید یک سری تشریفات از جمله درجه علامت (C) بر روی کتاب را انجام داد. و از اهداف کلی این کنوانسیون، تضمین احترام به حقوق افراد و تشویق توسعه ادبیات، علوم، هنر، اصلاح و تکمیل روابط حقوق مؤلف بین کشورهای متعاقد قرارداد برن و پان‌آمریکن بود. با وجود اینکه یونسکو سعی کرده‌بود، قرارداد ژنو، به صورت ساده و آسانتری به‌ویژه از دیدگاه کشورهای در حال توسعه درآید، مع‌ذک اکثریت کشورهای موردنظر سازمان یونسکو، به این قرارداد ملحق نشدند، زیرا هنوز مشکلاتی برای کشورهای در حال توسعه باقی مانده‌بود حتی تعدادی از کشورهای در حال توسعه که

عضویت قرارداد ژنو را پذیرفته بودند، در برخورد با مشکلات آن شروع به اظهار نارضایتی کردند. این امر سبب شد تا این اندیشه که لزوم احترام و حمایت مالکیت ادبی و هنری بدون توجه به نیازهای همه کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه، فراگیر نخواهد شد. سازمان یونسکو را در انعقاد کنوانسیون جدید ترغیب کرد.^۱

بدین منظور کنوانسیون جهانی ژنو، در ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۱ میلادی در پاریس مورد تجدیدنظر قرار گرفت و تسهیلاتی برای کشورهای در حال توسعه قائل شد. به دلیل اهمیتی که این تجدیدنظر به خود گرفت عنوان آن را کنوانسیون پاریس نامیدند. طبق ماده ۵ از جمله حقوقی که برای مؤلف پیش‌بینی شده همان است که در کنوانسیون ژنو اشاره شده است، کنوانسیون برن مشتمل بر سی و یک ماده می‌باشد و در ماده ۶ مکرر آن، از حقوق معنوی مؤلف سخن به میان آمده و به حق انتساب و حق احترام اشاره کرده است. این کنوانسیون از زمان انعقاد تاکنون شش بار مورد تجدیدنظر قرار گرفته است و تعداد کشورهای عضو آن را جدول ۱۹۹۴، صدوپنجاه کشور معرفی می‌کند و بزرگترین عضو جدید آن، کشور پهناور چین است و آمریکا که قبلاً تنها عضو پیمان جهانی حق مؤلف (ژنو) بود اکنون عضویت میثاق برن را هم پذیرفته است. یکی از تازگیهای تجدیدنظر کنوانسیون برن در پاریس شناسایی حقوق معنوی مؤلف می‌باشد.

نتیجه‌گیری

حق مؤلف که زاینده اندیشه و فکر انسان است نوعی مالکیت فکری محسوب می‌شود، در همه کشورهای پیشرفته امروز، مورد توجه و حمایت قانونگذار قرار گرفته است. هدف از این حمایت، حفظ منافع فردی مؤلف از یک سو و رعایت مصالح و حفظ نظم عمومی اجتماع از سوی دیگر است. حق معنوی مؤلف از جمله حقوق مؤلف

۱- محمد، کرمانی‌نژاد، بررسی حق مادی مؤلف در حقوق ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده امام صادق (ع)، سال ۱۳۷۶، ص ۲۴.

است که در کشورهای تابع حقوق کامن لائو، برعکس کشورهای دارای حقوق نوشته، برتری کمتری نسبت به حق مادی مؤلف دارد. حمایت از دو حق معنوی و مادی مؤلف، موجب تشویق و ترغیب مؤلفان و مصنفان و در نتیجه گسترش فرهنگ و هنر خواهد بود. با تصویب قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در سال ۱۳۴۸ و به دنبال آن تصویب قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲، ایران در ردیف کشورهای قرار گرفته است که برای حمایت از حق معنوی و مادی مؤلف دارای قوانین پیشرفته‌ای هستند با اینکه قوانین مذکور در نوع خود، از قوانین پیشرفته و متمدن در این زمینه محسوب می‌شوند، ولی به دلائلی هنوز این قوانین نتوانسته است در عرصه فرهنگی و علمی و ادبی کشور آن‌چنان که شایسته است مطرح گردد. از جمله کاستیهایی که در این قانون موجود است عبارت است از:

۱- اصالت اثر به صورت یک شرط کلی حمایت ذکر نشده است، هر چند که می‌توان آن را در خلال عبارات مختلف قانون استنباط کرد ولی بهتر بود که مثل کنوانسیون برن شرط مزبور را به صراحت ذکر می‌کرد.

۲- حقوق معنوی پدیدآورنده تعریف نشده و آنگهی به طور مطلق «غیر قابل انتقال» معرفی شده است.

۳- در مورد مدت حمایت از اثر، قانون ایران درباره اثرهایی که بدون نام مؤلف یا با نام مؤلف یا با نام مستعار منتشر می‌شود ساکت است، در حالی که بجا بود مدت خاصی برای حمایت از این آثار تعیین می‌گردید.

۴- قرارداد نشر یا عرضه اثر در قانون تنظیم نشده و این قرارداد تابع قواعد عمومی معاملات است، با اینکه مناسب آن بود که قانون ایران مانند قانون فرانسه این‌گونه قراردادها را تابع قواعد خاصی که متضمن حمایت کافی از مؤلف و هنرمند باشد قرار می‌داد.

۵- حق عدول یا استرداد اثر (Droit de repentir au retrait) در قانون

مصوب ۱۳۴۸ پیش‌بینی نشده‌است، بجا بود که این حق نیز که یکی از حقوق معنوی مؤلف است ذکر می‌شد.

۶- پیش‌بینی محاکم اختصاصی جهت رسیدگی به امور مربوط به حق مؤلف، ضروری می‌نماید) زیرا با الحاق ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی، مسئله طرح دعاوی بین‌المللی علیه استفاده‌کننده غیرمجاز در محاکم داخلی مطرح می‌گردد و چون محاکم عمومی ما، در زمینه حق مؤلف کمتر با این نوع دعاوی برخورد داشته‌اند، لازم است، در ضمن آموزش قضات در زمینه مالکیت‌های فکری به‌ویژه حق مؤلف، محاکم اختصاصی برای رسیدگی به مسائل مطروحه، ایجاد شود تا مردم با جزئیات این قانون و حدود حقوق خود و عواقب عدم رعایت آن آشنا گردند. علیهذا عوامل مذکور لزوم تجدیدنظر در قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان را ایجاب می‌نماید.

منابع و مأخذ

- ۱- اسدی، محمدحسن عرب، مقاله «حق مؤلف» نشریه پیام کتابخانه ش ۴، سال دوم،
- ۲- آذری، کیوان، حقوق معنوی پدیدآورنده اثر، نشریه دانشکده حقوق علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۲۲، سال ۱۳۶۰.
- ۳- افتخارزاده، محمودرضا، حقوق مؤلفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه معاصر اسلامی، چاپ اول، نشر هزاران، ۱۳۷۶.
- ۴- البغدادی، الخطیب، الرحلة في طلب الحديث، دارالمعرفة، بیروت، ۱۳۹۵ هـ.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، جلد اول، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۰.

- ۶- دوانی، علی، مفاخر اسلام، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- ۷- صادقی نشاط، امیر، حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای کامپیوتری چاپ اول، سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۶.
- ۸- کرمانی نژاد، محمد، بررسی حق مادی مؤلف در حقوق ایران و کنوانسیونهای بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۶.
- ۹- مشیریان، محمد، حق مؤلف و حقوق تطبیقی، رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.
- ۱۰- مرادی، نورالله، حق مؤلف، نامه انجمن کتابداران ایران، ش دوم، دوره ششم، سال ۱۳۵۲.
- ۱۱- خمینی، روح الله (ره)، تحریر الوسیله، جلد دوم، انتشارات دارالعلم، قم، چاپ دوم.
- ۱۲- ذحیلی، وهبه، حق تألیف، نشر و توزیع، مترجم افتخارزاده، محمودرضا، مندرج در کتاب حقوق مؤلفان، هنرمندان، مترجمان و ناشران در فقه معاصر اسلامی، نشر هزاران، سال ۱۳۷۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی
 * * *

مگر هشیار مرد ای مرد هشیار	نبینی بر درخت این جهان بار
خردمند است بار و بی خرد خار	درخت این جهان را سوی دانا
درختی راستی بارت ز گفتار	تویی بار درخت این جهان نیز
که بارش گوهر است و برگ دینار	نماند جز درختی را خردمند